

برسد به دست فردا برای من یک کلاس بود، یک درس، یک دانشگاه و آنچه که مرا به خواندن و خواندن و خواندن بیشتر سوق داد و این دستاورد چنین برنامه‌هایی است. هر موضوعی در برسد به دست فردا یک دریچه بود برای من دریچه‌ای به نفت، مطبوعات، ورزش و... هر گفتگو دیدگاه و برشی کوتاه بود به این دریچه



تاریخ معلم بزرگ ماست

کیانا فرهی، یکی از مجریان برنامه برسد به دست فرداست که با «مرور گذشته و رویدادهای قرن ۱۴» به بحث و تبادل نظر با مهمانان برنامه می‌پردازد. یادداشت او را از تجربیاتش در این برنامه می‌خوانیم:

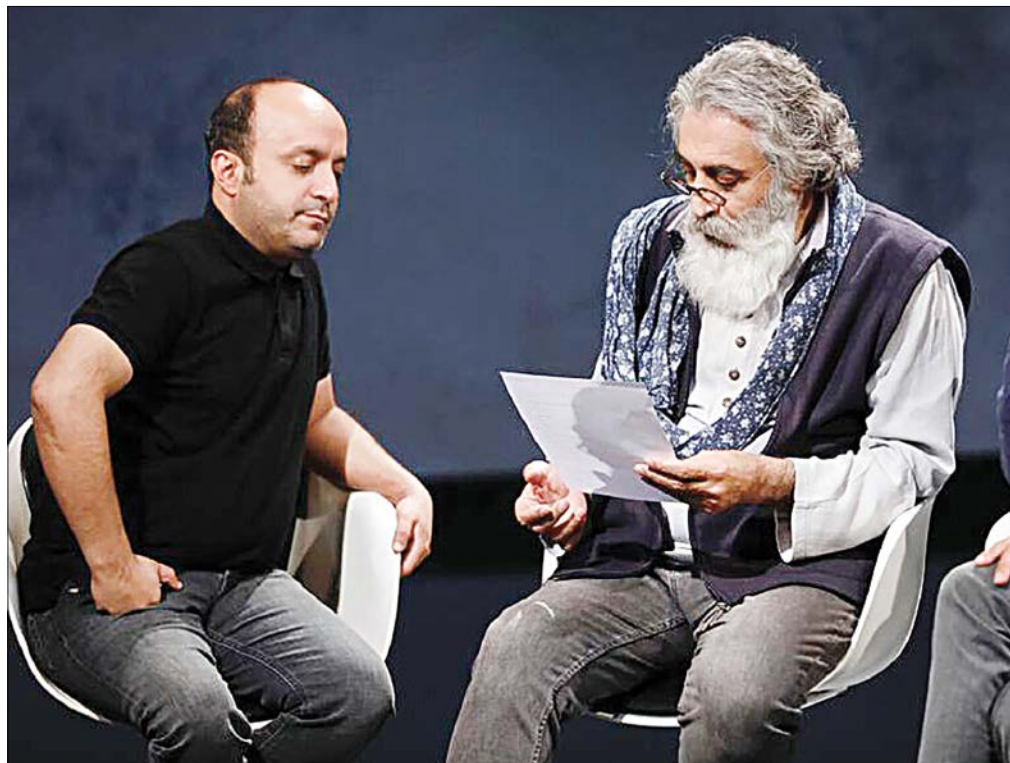
نخستین پرسشی که در اجرای برنامه برسد به دست فردا با موضوع ۱۰۰ سال تاریخ گذشته از من به عنوان یک پزشک پرسیده می‌شود، این است که چرا موضوع غیرپزشکی را برای گفت‌وگو انتخاب کرده‌اید؟

جواب ساده است چون تاریخ، معلم بزرگ همه ماست. تاریخ را باید بارها بخوانیم از زوایای مختلف و هر بار بیشتر ببیندیشیم. زیرا راه عبور معقول از زمان و از گذرگاه‌های تاریخی است. تاریخ زبان خود و قوانین خود را دارد و در مسیر عمر در تمام گوشه‌های زندگی ما این قوانین حاکم است.

پرسش دیگر این است: آیا یک برنامه تاریخی می‌تواند کاربردی باشد؟ دانستن این‌که در ۱۰۰ سال پیش چه اتفاقی افتاد به تصمیم‌گیری‌های ما چه کمکی می‌کند؟ همواره گمانم این بوده در یک بستر تاریخی. اجتماعی مداوم هستیم و آگاهی از بافت فکری و فرهنگی کمک می‌کند تا درست‌تر تصمیم بگیریم. اگر قصد فعالیت تجاری، اقتصادی داریم یا انتخاب رشته تحصیلی یا شغل مناسب یا این‌که در چه جامعه‌ای هستیم و چه پیشینه‌ای دارد، تعیین‌کننده است. رفتار انسان‌ها تغییر می‌کند اما در همان بستر تغییرات صورت می‌گیرد، پس حرکت به جلو با اتکا به گذشته است.



برسد به دست فردا برای من یک کلاس بود، یک درس، یک دانشگاه و آنچه مرا به خواندن و خواندن و خواندن بیشتر سوق داد و این دستاورد چنین برنامه‌هایی است. هر موضوعی در برسد به دست فردا یک دریچه بود برای من؛ دریچه‌ای به نفت، مطبوعات، ورزش و... هر گفت‌وگو دیدگاه و برشی کوتاه بود به این دریچه، این‌که واقعا در ۱۰۰ سال گذشته هر زاویه‌ای از زندگی اجتماعی ما چه تغییری کرده به کدام سو رفته‌ایم و چگونه حرکت کرده‌ایم. فرصتی مغتنم برای این‌که بهتر به خودم، تاریخ و کشورم بنگرم. همه تاریخ ۱۰۰ ساله با تمام جوانب آن در ۱۰۰ قسمت برنامه نمی‌گنجد اما تلنگری که در ذهن ایجاد می‌کند، ما را کنجکا و دانستن می‌کند، چراکه دانش لازمه حرکت درست رو به جلوست.



حمایت تبلیغاتی نشدیم

زارعان درخصوص انتخاب شبکه چهار برای پخش برسد به دست فردا، افزود: شبکه چهار را خودم انتخاب کردم، چون مخاطب این شبکه را مخاطب عمیق‌تری می‌دانم. هر قسمت برنامه به جز قسمت اصلی، سه بار در طول هفته بازپخش می‌شود. باید بگویم فکر می‌کردم حمایت تبلیغاتی بیشتری از ما انجام شود. امکان این وجود داشت که با بخش بخش کردن قسمت‌های مختلف برنامه در قالب کلیپ، برسد به دست فردا بیشتر دیده شود اما در تغییرات و تحولات سازمان صداوسیما آنچه شایسته و بایسته بود، برای برنامه رخ نداد.

تالاری به سوی تاریخ

دیگر انتخاب خاص علیرضا شجاع نوری این معنا را تشدید کرده که از نظر هیبت و نوع حرکت شبیه دانای کل است. گرم و حالت صورت بسیار خوبی دارد و خودش نیز به این دانایی‌ها مسلط هستند که برای من تماشای او هر لحظه لذت بخش بود. افرادی که اجرای برنامه را در قسمت‌های مختلف به عهده دارند همگی دانا و متخصص هستند اما به هر حال باید برای هر یک از این افراد متون دقیقی تنظیم می‌شد به همین دلیل هیچ واگذاری به مجریان به جز بخش‌هایی از گفت‌وگو منصور ضابطیان و دکتر فرهی نداشتیم. حجم متون این برنامه برای هر قسمت، تحقیقی شبیه یک پایان‌نامه و متنش یک مستند کامل بود.

تهیه‌کننده برسد به دست فردا، درباره دکور برنامه می‌گوید: دکور شبیه تالار تاریخ است و خیلی هم بزرگ است. طول آن ۹ متر و دهانه‌اش ۲۷ متر است. سازه‌ای که ویدئوپروژکتورهای متعددی در پس‌زمینه آن کار می‌کنند تا رنگ و شکل‌های مختلفی را عرضه کند. یک بدنه بتونی که احساس می‌شود عمیق است و رنگ خاکستری آن وهم‌آلودگی فضا را بیشتر می‌کند. فؤاد صفاریان پور علاوه بر کارگردانی اثر، طراحی دکور را هم به عهده داشت. او ایده‌پردازی فوق‌العاده و داناست؛ ضمن این‌که به معانی در طراحی‌ها توجه می‌کند. صفاریان پور هر دو کار را با دقت و تفکر پیش برد. از سوی

این برنامه با تهیه‌کنندگی و کارگردانی مشترک احسان حسینی و حامد مهربان در گروه ادب و هنر تولید شد و آیت‌های گوناگونی از قبیل: معرفی فیلم، معرفی کتاب، پرتره هنرمندان، گزارش و... را شامل می‌شود که با جذابیت‌های گرافیکی و محتوایی و اجرا همراه بود.

«شب‌های هنر» هم یکی از معروف‌ترین مجله‌های شبانگاهی بود که در بخش‌های مختلف و هر شب با یک موضوع روی آنتن رفت. علاوه بر میز موسیقی، روایت، شعر، تئاتر و سینما میز دیگری هم با عنوان میز تجسمی به این برنامه اضافه شده بود که به واسطه آن کل فضاهای هنری را پوشش می‌داد.

حضور موسیقیدانان، هنرمندان، مسئولان و کارشناسان این حوزه می‌پرداخت. این برنامه به تهیه‌کنندگی محمد علیبازی در گروه ادب و هنر تولید شده است و آیت‌های گوناگونی از قبیل: اخبار موسیقی، معرفی آلبوم، معرفی تک‌آهنگ‌ها، گزارش و... را شامل می‌شود و سعی در افزایش آگاهی و سواد شنیداری مخاطبان دارد که اساتیدی همچون نادر مشایخی و مرتضی شیرکوهی در این امر برنامه را یاری رساندند.

«بی چارچوب» هم عنوان مجله فرهنگی هنری با اجرای جواد مولانیا است که به مرور اخبار فرهنگی و هنری هفته گذشته همراه با مطالبه‌گری با حضور مسئولان حوزه‌های مربوطه می‌پردازد.

پروانه بهره‌برداری به شماره ۱۳۸۹/۱۲/۱۶ و تاریخ ۱۰۴/۵۹۳۳۲/۱۳۲۹۸۴۰ به‌نام شرکت کاوشگران نصف جهان به‌نشانی آران و بیدگل - منطقه صنعتی فیض‌آباد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمیابی و برگ سبز خودرو بی‌ام و تیپ ۵۱۸ سال ساخت ۱۹۷۹ شماره پلاک ۷۳۱ ط ۱۱ ایران ۴۴ شماره موتور 5681074 شماره شاسی DEBH791V0AE681047 به‌نام زهره صفرزاده مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز گشوده ولوو مدل ۱۳۹۴ به شماره انتظامی ایران ۱۳ - ۷۱۵ ع ۱۲ شماره موتور D13535550A4A و شماره شاسی NADRBZOA6FT928209 متعلق به آقایان امیرحسین رستمی و سعید رستمی شلمزاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمیابی و برگ سبز خودرو پراید GTXi مدل ۸۶، رنگ سورمه‌ای، شماره پلاک ۱۵۳ م ۶۷ ایران ۲۲ شماره موتور 2064674 شماره شاسی S1412286163045 به‌نام حسین حمه مراد مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.